

وقتی مهربانی

قتل زندان را باز می کند

هشت سال انتظار، هشت سال دلتنگی، هشت سال بی‌م‌خصوصی... سرانجام دیروز با کمک نیکوکاران تهرانی، در زندان برای سیدهادی باز شد؛ مردی که سال‌ها پیش به امید داشتن سقفی برای کار و زندگی، چک‌هایی برای خرید مغازه خواروبارفروشی‌اش امضا کرده‌بود، اما بی آنکه بداند این چک‌ها مسیرش را به پشت میله‌ها می‌کشاند.

سیدهادی پدر یک‌زند است، در مغازه‌ای اجاره‌ای در یکی از محله‌های تهران روزی حلال درمی‌آورد تا اینکه صاحب ملک که سال‌ها باو رفاقت داشت، پیشنهاد کرد مغازه را به صورت اجاره به شرط تملیک به نامش کند. سیدهادی با دل خوش اِپارتمان کوچک خود را فروخت و برای مابقی مبلغ، چند چک نوشت. هیچ قرار داد یا قولنامه‌ای بینشان نبود؛ تنها اعتمادی ساده، از همان جنس رفاقت‌های قدیمی بازار، اما سرنوشت مسیر دیگری برایش نوشت. صاحب ملک در گذشت و او تانش مغازه را مطالبه کردند. در روزهایی که مغازه پلمپ شده بود و کار تعطیل، چک‌ها برگشت خورد و سیدهادی راهی زندان شد.

او تمام دارایی‌اش را از دست داده بود؛ خانه‌اش، مغازه‌اش و سال‌های جوانی‌اش. هشت سال در زندان ماند، بی هیچ مرخصی، چون وثیقه‌ای نداشت. در این سال‌ها، همسر و فرزندش با سختی و شرمندگی روزگار گذرانند و تنها دلخوشی‌شان امید به آزادی پدر بود.

اما این قصه غم‌انگیز، پاپانی روشن یافت، با پیگیری‌های خانواده و تلاش ستاد مردمی دیده‌استان تهران، و در نهایت با کمک ۲۵۰ میلیون تومانی خیران تهرانی، بدهی سیدهادی پرداخت شد و او دوباره طعم آزادی را چشید و حالی که اشک و لبخند همزمان بر چهره‌اش نشسته بود، اکنون، او پس از هشت سال، می‌خواهد دوباره کار کند، زندگی‌اش را بسازد و فرزندش را در آغوش بگیرد؛ فرزندی که سال‌های کودکی‌اش را پشت درهای زندان جا گذاشت.

نیکوکارانی که قصد کمک به آزادی زندانیان جرائم غیر عمد را دارند می‌توانند از طریق شماره کارت ۰۳۷۹۹۱۸۹۹۶۷۵۸۱۶ به نام ستاد دیده در این امر خیر سهم باشند. همچنین در صورت تمایل ضمن مراجعه حضوری به ستاد دیده استان تهران در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، اعرایی ۵، پلاک ۱۹، طبقه اول، شماره تلفن ۸۸۸۶۱۹۹۲ یا نحوه ارسال کمک‌های مالی و آزادی زندانیان استان آشنا شوند.

قتل برادر باتریلی

در حالی که همه تصور می‌کردند مرد ۳۹ساله در تصادفی دلخراش جان باخته‌است، بررسی‌های پلیسی پرده از نقشه‌ای هولناک برداشت؛ قتلی که توسط برادر مقتول و زیر چرخ‌های تریلی رقم خورده‌بود.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل حادثه رانندگی در محور اصلی داراب به شیراز رخ داد؛ جایی که در تماس تلفنی مردی ۳۵ساله با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، خبر از مرگ برادرش در تصادفی مرگبار داده شد. مأموران بلافاصله خود را به محل رساندند، اما از همان لحظه نخست، چیزی در صحنه تصادف طبیعی به نظر نمی‌رسید.

رد لاستیک‌ها، زاویه برخورد و اظهارات ضد و نقیض برادر، همه نشانه‌هایی بود که ذهن کارآگاهان را به سمت احتمال

سناریوی ساختگی برد. با ورود تیمی از پلیس آگاهی داراب و بازبینی دقیق صحنه، فرضیه قتل قوت گرفت. بررسی‌ها نشان داد که مقتول و برادرش مدتی پیش بر سر مسائل مالی دچار اختلافات شدید شده‌بودند؛ اختلافی که حالا رنگ خون گرفته‌بود.

مظنون که ابتدا وانمود می‌کرد از مرگ برادرش شوکه شده، در بازجویی‌های تخصصی تاب نیاورد. سرانجام در مواجهه با شواهد قریب‌ال انکار، لب به اعتراف گشود و فاش کرد که برادر خود را با زیر گرفتن عمدی توسط تریلی به قتل رسانده و سپس برای گمراه کردن پلیس، صحنه را شبیه یک تصادف رانندگی بازسازی کرده‌است.

پرونده این قتل خانوادگی با نقشی‌ای حساب‌شده و ظاهری فریبده، پس از اعتراف متهم برای مسیر مراحل قانونی به مرجع قضایی ارسال شد.

سرهنگ سپدرجمان هاشمی، فرمانده انتظامی شهرستان داراب، ضمن اعلام این خبر گفت: «متهم با انگیزه مالی و برای تنسویه اختلافات گذشته، نقشه قتل را طراحی کرده‌بود. مأموران پلیس با هوشیاری و بررسی دقیق صحنه، موفق به کشف حقیقت شدند.



۳ کشته در تصادف پژو با نیوجرسی جاده

برخورد شد بد یک دستگاه پژو ۴۰۵ با نیوجرسی بتنی کمربند سبز مشهد سه نفر کشته و پنج نفر زخمی شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ عباسعلی دهقانی، جانشین فرمانده انتظامی مشهد گفت: صبح روز گذشته وقوع حادثه رانندگی در محور کمربند سبز به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد. بلافاصله تیمی از مأموران انتظامی بخش رضیه به همراه نیروهای امدادی و کارشناسان پلیس راه به محل اعزام شدند. «خودروی پژو ۴۰۵ در مسیر مشهد به سمت قریمان در حرکت بود که بنا به دلایل نامشخص از مسیر خود منحرف و با نیوجرسی بتنی حاشیه جاده برخورد کرد.» شدت ضربه به حدی بود که سه سر نشین خودرو در دم جان باختند و پنج نفر دیگر نیز دچار جراحات شدید و توسط نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند. سرهنگ دهقانی گفت به نظر می‌رسد علت حادثه سرعت غیرمجاز یا بی‌توجهی راننده به مسیر نقش قابل توجهی در وقوع این حادثه داشته باشد.»

■ **حسین فصیحی**

تهران دیگر فقط شهری پر ترافیک نیست؛ خیابان‌هایش به پارکینگ‌های بی‌پایان بدل شده‌اند. تخلف‌های ساکن، از توقف دوبله گرفته تا پارک در محل‌های ممنوع به پدیده‌ای روزمره و بحران‌زا تبدیل شده‌اند، معضلی که به گفته رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، در ۱۵روز نخست همراه بیش از ۳۸۱ هزاربار برگ‌چرمه برایش صادر شده است.

پایتخت در سال‌های اخیر با گره‌ای پیچیده‌تر از همیشه روبه‌روست؛ گرهی نه در طرح‌های عمرانی یا پروژه‌های شهری، بلکه در رفتار روزمره شهروندان. تخلف‌های ساکن که در ظاهر کوچک و موقتی به نظر می‌رسند، امروز چنان گسترده شده‌اند که چهره شهر را تغییر داده‌اند و در مواردی به نزاع، درگیری و حتی وقوع جرم‌های سنگین منجر می‌شوند.

■ **نظم ترافیک شهری در خطر**
براساس اعلام سردار میداوالفضل موسوی پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، تنها در نیمه نخست مهرماه ۱۴۰۴، بیش از ۲۸۱هزار تخلف ساکن در سطح پایتخت ثبت شده است، آماری که به گفته‌او «نگ‌خطر جدی برای نظم ترافیکی شهر» به‌شمار می‌رود. سردار موسوی‌پور در گفت‌وگوبا «جوان» با اشاره به جزئیات این تخلفات می‌گوید: «در ۱۵روز نخست همراه، بیش عمده‌ای از تخلفات مربوط به توقف دوبله، توقف در محل‌ایستادن ممنوع، توقف در حریم تقاطع‌ها و توقف وسایل نقلیه عمومی خارج از ایستگاه‌های تعیین شده بود. برخی رانندگان نیز خودروهای خود را برای فروش کالا در حاشیه خیابان‌ها پارک می‌کنند که مصداق آشکار سوء معیاست.»

■ **وقتی شهر به پارکینگ تبدیل می‌شود**
به گفته رئیس پلیس راهور، خیابان‌های پایتخت در بسیاری از ساعات شبانه‌روز عملاً کارکرد عبور و مرور خود را از دست داده‌اند و به محل توقف‌های طولانی خودروها تبدیل شده‌اند. «توقف‌های غیرمجاز در حاشیه معابر، نه‌تنها حرکت خودروها را کند می‌کند، بلکه در مواقع اضطراری، مسیرهای امندارسانی رانیز مسدود می‌سازد. این وضعیت به

افزایش زمان سفر، مصرف سوخت و آلودگی هوا دامن می‌زند.»

آمار جزئی نشان می‌دهد ۹۵ هزار و ۹۱۹مورد توقف دوبله، ۸۹هزار و ۱۳۲مورد توقف در محل ایستادن ممنوع و ۱۲۸هزار و ۸۱۲مورد سد معبر و اختلال در عبور و مرور در همین بازه کوتاه ثبت شده‌است.

■ **نزاع بر سر جای پارک**
از درگیری تا جرم
تخلف‌های ساکن تنها یک ناهنجاری ترافیکی نیستند، بلکه به گفته کارشناسان، منشأ بسیاری از تنش‌ها و حتی جرائم شهری هستند. درگیری‌های خیابانی، نزاع‌های بر سر جای پارک و حتی برخی پرونده‌های قتل در پایتخت، می‌کنند که مصداق آشکار سوء معیاست.

به گفته رئیس پلیس آگاهی‌های پایتخت در بسیاری از ساعات شبانه‌روز عملاً کارکرد عبور و مرور خود را از دست داده‌اند و به محل توقف‌های طولانی خودروها تبدیل شده‌اند. «توقف‌های غیرمجاز در حاشیه معابر، نه‌تنها حرکت خودروها را کند می‌کند، بلکه در مواقع اضطراری، مسیرهای امندارسانی رانیز مسدود می‌سازد. این وضعیت به

■ **غلامرضا مسکنی**

پسر ۴۲ساله که پس از روزها قرار به اتهام قتل مادرش بازداشت شده در بازجویی‌ها ادعا می‌کند مادرش قصد داشته خانه موروثی را به نام خواهرانش بزند و همین موضوع باعث درگیری مرگبار او و مادرش شده‌است.

چندی پیش، تیم پزشکی یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران، مرگ مشکوک ز ن سالخوده‌ای را به مأموران پلیس پایتخت گزارش داد. پزشک معالج اعلام کرد که مدتی قبل، پیرزنی زخمی به بیمارستان منتقل شده و پس از چند روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه، سعاتی پیش جان خود را از دست داده‌است. با توجه به آثار جراحات روی بدن او، مرگ وی مشکوک تشخیص داده شد.

■ **حضور مأموران در بیمارستان**

با اعلام این موضوع، تیمی از مأموران پلیس راهی بیمارستان و در آنجا با جسد بی‌جان زنی ۸۰ساله به نام حلیمه روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد که حدود ۱۰روز قبل، پیکر نیمه‌جان این زن از سوی پسر میانسالی به بیمارستان منتقل شده‌بود، اما تلاش پزشکان برای نجات او بی‌نتیجه مانده‌است.

■ **ادعای پسر زن سالخورده**

پسر حلیمه که پرویز نام دارد، در بازجویی اولیه گفت: «مادرم مدتی بود حالش خوب نبود و از سرگیجه و بی‌تعادلی شکایت می‌کرد. روز حادثه، ناگهان در آشپزخانه حالش بد شد و روی کاشی‌ها زمین خورد. وقتی بالای سرش رفتم، بی‌هوش بود و از سرش خون می‌آمد. بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم، اما متأسفانه بعد از

چند روز بستری فوت کرد.»

■ **نشانه‌های ضرب و جرح روی بدن**

با این حال، مأموران در بررسی گزارش تیم پزشکی دریافتند که روی بدن زن سالخورده آثار متعدد کبودی و جراحات وجود دارد که نشان از ضرب و جرح او دارد. با توجه به مشکوک بودن مرگ، موضوع به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اعلام شد و به دستور

■ **گفت‌وگو با متهم**

■ **ارثیه خوین**
پرویز ۴۲سال دارد و سال‌ها با مادرش زندگی می‌کرده‌است. او از قتل مادرش بشیمان است، اما ادعای عجیبی را برای قتل مطرح می‌کند. متهم مدعی است مادرش تصمیم داشته خانه موروثی را به نام خواهرانش بزند و به همین دلیل او را به قتل رسانده‌است.

■ **به چه جرمی دستگیر شدی؟**

■ **به جرم قتل مادرم.**

■ **با مادرت اختلاف داشتی؟**

من سیال‌ها در کنار او زندگی کردم و مشکلی نداشتم، اما مدتی بود بر سر سراث و میراث خانوادگی با مادرم اختلاف داشتم و همین موضوع هم باعث درگیری ما شد.

■ **چه اختلافی با مادرت داشتی که تصمیم به قتل**

حصولات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

تخلف‌های ساکن به مرز بحران رسید



ریشه در همین رفتارهای ساده، اما ناپایمند به قانون دارند. در کنار آن، برخی معابر و بزرگراه‌ها، به‌ویژه در مناطق جنوبی و شرقی شهر، توسط وانت‌های میوه‌فروش یا خودروهای دستفروش اشغال شده‌اند، پدیده‌ای که به گفته پلیس، علاوه بر ایجاد اختلال ترافیکی، پوششی برای برخی فعالیت‌های مجرمانه از جمله خرید و فروش مواد مخدر را نیز فراهم کرده است.

■ **کمبود زیرساخت و نیاز به نگاه سیستمی**
سردار موسوی‌پور با اشاره به چالش‌های ساختاری مقابله با این حجم از تخلفات خاطرنشان می‌کند: «پلیس راهور از ظرفیت نیروی انسانی و تجهیزات سایبری خود برای کنترل تخلفات استفاده می‌کند، اما تا زمانی که زیرساخت‌های حمل و نقل

اعتراف به قتل مادر بر سر ارثیه

وی، جسد برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل گردید.
■ **تأیید پزشکی قانونی؛ مرگ بر اثر ضربه مغزی**
در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، نظریه رسمی پزشکی قانونی اعلام شد. پزشکی قانونی اعلام کرد علت مرگ، ضربه مغزی ناشی از اصابت جسم سخت به سر بوده‌است. همچنین در گزارش امدی‌بود آثار کبودی‌های روی بدن، ناشی از کتک کاری و وارد شدن ضربات متعدد از سوی فردی دیگر است.

■ **فرضیه قتل**

با دریافت این نظریه، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و فرضیه قتل عمدی قوت گرفت. بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی دستور داد تا تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی را آغاز کنند.

■ **دعای‌های مادر و پسر**

بررسی‌ها نشان داد که حلیمه در سال‌های اخیر همراه پسر ۴۲سال‌اش، پرویز، زندگی می‌کرده‌است. تحقیقات از اعضای خانواده و همسایگان نیز فاش کرد که مادر سخت و پسر بارها با یکدیگر درگیری و مشاجره داشته‌اند و همسایه‌ها چندین مرتبه صدای درگیری آنها را شنیده بودند. با توجه به شواهد موجود، پرویز به‌عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب قرار گرفت، اما مأموران هنگام مراجعه به خانه‌اش متوجه شدند که وی به مکان نامعلومی گریخته است. عملیات جست‌وجو برای دستگیری متهم آغاز شد تا اینکه سرانجام روز گذشته، کارآگاهان موفق شدند او را در یکی از مخفیگاه‌هایش در جنوب شهر دستگیر کنند.

■ **اعتراف**

پرویز پس از انتقال به اداره پلیس، در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شد، اما سرانجام لب به اعتراف گشود و با ابراز پشیمانی، به قتل مادرش اعتراف کرد. به دستور بازپرس جنایی، متهم برای انجام تحقیقات بیشتر و بررسی زوایای پنهان این جنایت، در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

■ **گرفتگی؟**

من قصد قتل نداشتم و آن روز عصبانی شدم و این حادثه اتفاقی رخ داد.

■ **از اختلاف با مادرت بگو؟**

مادرم تصمیم داشت اموالش و خانه موروثی را به نام دخترانش (خواهرم) بزند. وقتی متوجه شدم و فهمیدم قرار است هیچ چیزی به من نرسد و همه اموال به نام خواهرام شود، ناراحت شدم و به مادرم اعتراض کردم. البته او قبول نمی‌کرد ولی من مطمئن بودم وی دالستم با تصمیم او زندگی‌ام خراب می‌شود.

■ **یعنی برای ارثی باید مادرت را به قتل می‌رساندی؟**

نه. گفتم که قصد قتل نداشتم.

■ **اما شما مادرت را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادی؟**

آن روز عصبانی بودم و خالم خوب نبود، فکر می‌کنم یک نفر به



آزادی گروگان چینی

از دام اتباع غیرمجاز

اتباع غیرمجاز غیرمجاز در شهرستان شهریار که با گروگان گرفتن مرد چینی قصد اخاذی از خانواده‌اش را داشتند، بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، سردار منتظرالمهدی، سخنگوی پلیس فراجا گفت: چندروز قبل به مأموران پلیس خبر رسید یکی از اتباع چین به نام «دینگ شی‌زو» ربوده شده‌است. بررسی‌های پلیس آگاهی شهریار نشان داد این تبعه چین توسط اتباع غیرمجاز برای اخاذی ۵۰هزار دلاری از خانواده‌اش ربوده شده‌است. کارآگاهان پلیس در جریان بررسی‌های خود مخفیگاه متهمان را در یکی از شهرک‌هایشناسایی و همزمان با په‌ای گروگان، چهار مرد آدمربا را بازداشت کردند.

سخنگوی فراجا گفت که گروگان ازاد شده از طریق پلیس بین‌الملل فراجا به سفارت چین در تهران منتقل شد.

عاملان درگیری

با کادر درمان شهریار بازداشت شدند

همراهان بیمار که پس از حمله به کادر درمان یکی از درمانگاه‌های شهرستان شهریار، متوراری شده بودند، بازداشت شدند.

چندروز قبل فیلمی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که نشان می‌داد همراهان بیمار در یکی از مراکز درمانی به یکی از کادر درمان حمله می‌کنند و او را ز ناحیه صورت هدف ضرب و جرح قرار می‌دهند.

سرهنگ پیمان فتاحی، فرمانده انتظامی شهرستان شهریار گفت: همزمان با انتشار فیلم، تحقیقات پلیس برای بازداشت متهمان به جریان افتاد. حادثه درگیری با کادر درمان ساعت ۲۱۳۰ شامگاه پنج‌شنبه ۱۷مهرماه در شهرستان باغستان شهریار رخ داد و همزمان با بروز حادثه، تحقیقات پلیس برای بازداشت متهمان به جریان افتاد تا اینکه مأموران موفق شدند روز گذشته دو متهم را شناسایی و آنها را بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها به جرم‌شان اعتراف کردند و مدعی شدند به دلیل عدم خدمات‌رسانی مناسب پرسنل درمانگاه به بیمارشان حادثه را رقم زد‌ه‌اند.

دختر گمشده

در بازداشتگاه پیدا شد

■ **آرمین بینا**

مأموران پلیس در بررسی پرونده دختر جوانی که از سوی خانواده‌اش اعلام مفقودی شده بود، متوجه شدند وی از سارقان حرفه‌ای است که بارها خودش را با هویت جعلی معرفی کرده است. دختر گمشده در بازداشتگاه پیدا شد.

چندی روز قبل مرد میانسالی با مراجعه به پلیس اعلام کرد دخترش مهتاب، صبح دیروز ساعت ۸خانه را ترک کرده و دیگر بازنگشته است. او گفت: «با دوستان و آشنایان تماس گرفتم، اما کسی از مهتاب خبری نداشت. ابتدا تصور کردم شاید خترم شب‌باز گردد، اما پس از بی‌نتیجه ماندن تماس‌ها و خلعوش بودن تلفن همراه او، به پلیس مراجعه کردم و درخواست کمک دارم.»

■ **فرضیه‌ها؛ آدم‌ربایی یا قتل**

کارآگاهان جنایی به دستور بازپرس پرونده بلافاصله بررسی‌ها را آغاز کردند. نخستین گام‌ها شامل استعلام از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بود تا روشن شود آیا حادثه‌ای برای دختر رخ داده یا خبر که پاسخی دریافت نشد. سپس پرونده به کالتری‌ها کشیده شد، اما از مهتاب خبری نبود.

از آنجا که هیچ تماس یا درخواست پولی از سوی رابیندگان احتمالی وجود نداشت و وضعیت مالی خانواده دختر گمشده هم معمولی اعلام شد، فرضیه آدم‌ربایی رنگ باخت. با خاموش بودن تلفن همراه و عدم انجام تراکش بانکی، کارآگاهان دیگر احتمالات از جمله فرار یا حتی وقوع حادثه‌ای دیگر را هم بررسی کردند.

■ **سرنخ‌های کفبری و نام فرامرز**

در کاوش پرونده‌های گذشته مهتاب مشخص شد او پیش‌تر چندین بار بازداشت شده و اغلب در پرونده‌ها با مردی به نام فرامرز همراه بوده است. همین موضوع کارآگاهان را به این فرضیه رساند که فرامرز می‌تواند از سرنوشت مهتاب مطلع باشد. وقتی مأموران به سراغ فرامرز رفتند، دریافتند او باعث بازگشت مهتاب به بیمارستان شد. دختر جوان دستگیر شده است. این موضوع باعث شد مأموران احتمال دهند دختر دستگیر شده مهتاب است.

■ **هویت جعلی؛ «بر ستو» در بازداشت**

تحقیقات نشان داد زن بازداشتی هنگام دستگیری خود را با هویتی جعلی معرفی کرده و کارت شناسایی متعلق به یکی از دوستانش را ارائه داده‌است. کارآگاهان متوجه شدند مهتاب در بازداشت تحت نام پرستو ثبت شده است، بدین ترتیب راز ناپدید شدن او فاش شد.

■ **از میهمانی تا اعتیاد و سرقت**

مهتاب که حدود ۳۰سال دارد و چند سابقه کفبری در پرونده‌اش ثبت شده در اظهاراتش گفته است خانواده‌اش فرهنگی هستند و با آزادی‌های نسبتاً زیادی او را بزرگ کرده‌اند. او می‌گوید از این آزادی‌ها سوءاستفاده کرده و وارد جمع‌هایی شده که به اعتیاد کشانده شده و سپس به سرقت روی آورده است.

متهم ادعا کرد فرامرز او را به مواد مخدر و دزدی سوق داده است. مهتاب گفت: «برای تأمین هزینه مواد مجبور به سرقت‌های خرد و کلان شدم. در این مدت به اتهام سرقت موتورسیکلت، سرقت از منازل با روش بالکن‌روبی و حتی سرقت از فروشگاه‌ی در فرودگاه همراه فرامرز دستگیر شدم.»

وی ادامه داد: «برای اینکه سایقام زیان نشود، تصمیم گرفتم وقتی دستگیر شدم خودم را با هویت جعلی معرفی کنم، به همین دلیل از کارت شناسایی یکی از دوستانم استفاده کردم، چرا که از نظر ظاهری و عمل‌های زیبایی به من شباهت دارد. او می‌داند پرونده ما این ترند پیش‌را اثر انگشت آزاد شوم.

■ **روش‌های سرقت**

وی درباره شیوه سرقت‌ها گفت: معمولاً برای سرقت موتورسیکلت در خیابان‌ها سر می‌زدیم، فرامرز با کلیدی به‌عنوان شاه‌کلید موتورسیکلت‌ها را روشن می‌کرد و من هم با موتور سرقتی دیگری پشت سر او حرکت می‌کردم. موتورسیکلت‌ها را به مخفیگاه می‌بردیم و دوباره سرقت‌های تازه‌ای شروع می‌کردیم. علاوه بر سرقت موتور از خانه‌ها هم سرقت می‌کردیم و شیوه ورود ما به منازل از بالکن بود. تحقیقات از دو متهم برای مشخص شدن سرقت‌های احتمالی و شناسایی شاکیان ادامه دارد.